

جایگاه اخلاق زیستی در قلمرو حقوق بشر بین‌المللی

فرشید سرفراز^۱

فریدون سرفراز

چکیده

در مقاله حاضر تلاش شده است پس از بیان مفهوم اخلاق زیستی، رابطه آن با حقوق بشر تبیین گردد. گروهی بر این باورند که اخلاق زیستی می‌تواند به تمامی در حیطه حقوق بشر قرار گیرد و اصولاً تفاوتی ماهوی میان این دو مفهوم وجود ندارد. از طرف دیگر برخی با انتقاد از حقوق بشر در عصر حاضر آن را بازیچه حکومت‌ها و پیرو سیاست‌های آن‌ها دانسته و خواهان استقلال اخلاق زیستی از حقوق بشر می‌باشند. در ادامه ضمن تلاش برای ارائه پاسخ به انتقاد مزبور به برخی مواد موجود در اسناد اولیه و مهم حقوق بشر که به مسائل مربوط به اخلاق پزشکی نیز پرداخته‌اند اشاره و کرامت و منزلت انسانی به‌عنوان فصل مشترک آن‌ها بررسی می‌شود. در بخش آخر برخی اسناد و اعلامیه‌های به نسبت جدید بین‌المللی که بر ارتباط این دو مفهوم و رعایت مقررات حقوق بشر در امور زیستی و پزشکی تأکید دارند بررسی شده‌اند. در نهایت با توجه به مباحث مطروحه این نتیجه حاصل شده است که لزوم جهان‌شمول بودن قواعد و اصول اخلاق پزشکی و رابطه مستقیم آن با وجود و منزلت انسانی ایجاب می‌کند در چارچوب اسناد و معیارهای جهان‌شمول حقوق بشر بدان پرداخته شود.

واژگان کلیدی

اخلاق زیستی، کرامت انسانی، حقوق بشر، ژنوم انسانی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسؤول)

جایگاه اخلاق زیستی در قلمرو حقوق بشر بین‌المللی

علم یکی از فعالیت‌های فکری روشمند و اصلی انسان است و آزادی تحقیق، بخشی جدایی‌ناپذیر از آزادی اندیشه به شمار می‌رود. اما علم باید دو شرط را نیز برآورده کند:

۱. پی‌گیری پیشرفت خود؛

۲. تضمین امنیت و سلامت نوع انسان.

وظیفه اخلاق زیستی ارائه مجموعه قواعدی رفتاری برای علوم زیستی است تا یکی از شرایط مهم برآورده شدن اهداف مزبور تأمین شود. هدف از این نوشتار بررسی روابط موجود میان اخلاق زیستی و حقوق بشر است. بنابراین کوشش نگارندگان همواره معطوف به این است که از دایره موضوع مورد بررسی خارج نشوند و مگر بنا به ضرورت به مصادیق و جزئیات نپردازند.

بحث اخلاق زیستی به ویژه بر اثر پیشرفت علوم ژنتیک و پدیدآیی امکان شبیه‌سازی اهمیت بیش‌تری یافت ولی نباید فراموش کرد که دامنه آن فراتر از این مباحث بوده و قدمت زیادی دارد. در بررسی حاضر پس از بررسی مفهوم اخلاق زیستی سعی در روشن ساختن ارتباطات آن با حقوق بشر شده است و در قسمت آخر ضمن بررسی برخی اسناد مربوط به حقوق بشر و اخلاق زیستی سعی می‌شود تا اشاره مختصری به موادی که حقوق بشر را در قلمرو اخلاق زیستی وارد می‌کنند صورت گیرد.

۱. مفهوم اخلاق زیستی

اخلاق زیستی عبارت است از علم اخلاق در آن حیطة که به زندگی و بدن انسان مربوط می‌شود؛ یعنی رفتار قابل پذیرش بشر در مورد نحوه برخورد وی با حیات و

جسم انسان و یکی از رشته‌های دانش، گفتمان و مطالعه که به آثار فلسفی و اخلاقی برخی از روش‌ها و شیوه‌های زیست‌شناختی و برخی فن‌آوری‌ها که بر حیات انسان تأثیر می‌گذارند مرتبط می‌شود. مثال‌های بارز آن عبارتند از شبیه‌سازی، تحقیق در پیشینه سلول‌ها، تهیه نقشه ژنوم انسانی و نحوه درمان بیماران علاج‌ناپذیر. هر موضوع اخلاق زیستی به نحوی به یکی از حقوق بشر یا حتی تعداد بیش‌تری از آن اشاره دارد. (Conde، ۱۹۹۹، ص ۲۶) در بند ۱۷ یادداشت توضیحی اجلاس بین‌المللی کارشناسان برای تهیه متن پیش‌نویس اعلامیه هنجارهای جهانی اخلاق زیستی که بعدها تبدیل به اعلامیه حاضر اخلاق زیستی و حقوق بشر شد نیز تعریفی از اخلاق زیستی وجود دارد. مطابق این تعریف: «اخلاق زیستی یک زمینه نظام‌مند، کثرت‌گرا و میان‌رشته‌ای تحقیق است که مستلزم مسائل اخلاقی نظری و عملی مطرح‌شده توسط پزشکی و علوم مربوط به حیات به گونه‌ای است که بر موجودات انسانی و رابطه بشریت با حیات در کره زمین اعمال می‌شود»^۱.

به عبارت دیگر اخلاق زیستی یا اخلاق پزشکی همانا مطالعه و اعمال ارزش‌ها، حقوق و تکالیف اخلاقی در زمینه‌های درمان و تحقیق پزشکی است. تصمیمات پزشکی مستلزم رعایت مسائل اخلاقی هر روزه در وضعیت‌های گوناگونی (هم‌چون روابط میان بیمار و پزشک، مراقبت پزشکی از انسان و حیوانات در آزمایش‌های پزشکی، چگونگی اختصاص منابع اندک پزشکی، مسائل پیچیده‌ای که آغاز و پایان حیات انسان را در بر می‌گیرند، شیوه پزشکی بالینی و تحقیق در علوم مربوط به حیات) مطرح می‌شوند. ریشه اخلاق پزشکی به یونان باستان باز می‌گردد؛ اما در قرن بیستم بود که این مقوله اهمیت زیادی یافت. بسیاری از مسائل مطروحه در اخلاق پزشکی محصول پیشرفت‌های دانش نظری و فن‌آوری

پزشکی هستند. این پیشرفت‌ها بشریت را به موفقیت‌های بزرگی در درمان و پیش‌گیری از بیماری‌ها رسانیده، اما در عین حال مسائل و تردیدهای جدیدی درباره مبنای ماهیت مرگ و زندگی مطرح کرده‌اند. هم‌چنان که مردم با مسائل مربوط به مرزهای علم و تحقیق پزشکی مواجه می‌شوند، اخلاق پزشکی به عنوان یک حرفه و زمینه مطالعاتی جداگانه و مستقل رشد بیش‌تری می‌یابد. اخلاق پزشکی حرفه‌ای، از رشته‌هایی هم‌چون فلسفه، علوم اجتماعی، پزشکی، علم تحقیق، حقوق و علوم دینی بهره می‌گیرد. متخصصان اخلاق پزشکی به عنوان مشاور در بیمارستان‌ها، دفتر نهادهای مربوط به مراقبت از سلامت و حکومت خدمت می‌کنند. احترام به اراده آزاد و شرافت انسانی مبنای اخلاق زیستی است؛ به ویژه در اخلاق زیستی معاصر، ایده آزادی اراده اهمیت زیادی داشته است. آزادی اراده به مفهوم حق افراد برای تعیین سرنوشت خود و ادامه زندگی به گونه‌ای است که انتخاب می‌کنند؛ البته تا آن‌جا که این حق با حقوق دیگران تداخل پیدا نکند. برخی دیگر از عالمان اخلاق زیستی بر اصل اصالت سود^۲ تأکید کرده‌اند که مطابق آن، اقدامات در اصل بر مبنای نتایجی که به بار می‌آوردند دآوری می‌شوند. به عبارتی دیگر اقداماتی که برای بیش‌ترین تعداد مردم نتایج مفید به بار آورند اخلاقی محسوب می‌گردند؛ البته در بررسی بعدی اسناد حقوق بشر مشخص می‌شود این ایده به صورت عام مورد پذیرش قرار نگرفته و حقوق فرد بر جامعه مقدم دانسته شده است. دیگر ایده‌ای که در اخلاق پزشکی اهمیت زیادی دارد حسن اخلاقی است که مطابق آن کسانی که خوب بودن را می‌آموزند آن‌چه را درست است انجام می‌دهند.

از سوی دیگر بسیاری از عالمان اخلاق زیستی دریافته‌اند که این اصول فلسفی، کلی و انتزاعی بوده و برای اعمال در مسائل اخلاقی پیچیده پزشکی دشوار هستند.

در دهه ۱۹۷۰ روش دیگری از سوی برخی فلاسفه و متکلمان آمریکایی ابداع شد که به عنوان اصول‌گرایی^۳ شناخته شد. بر مبنای این روش چهار عنصر و اصل جداگانه دارای اهمیت اساسی‌اند:

- ۱- احترام به آزادی هر شخص و حق وی نسبت به تصمیمات و اعتقاداتش؛
- ۲- اصل نیکوکاری، یعنی کمک به مردم به عنوان هدف اولیه؛
- ۳- اصل عدم وارد آوردن لطمه، یعنی خودداری از آسیب زدن به مردم؛ و
- ۴- اصل عدالت به عنوان توزیع منصفانه دشواری‌ها و مزایا.

عالمان اخلاق زیستی باید این اصول را در برابر یکدیگر بسنجند و در موارد عینی اعمال کنند. به عبارت دیگر این اصول به شکل جداگانه و تک تک قابل استفاده نیستند بلکه باید در پیوند با یکدیگر سنجیده شوند، و بسته به مورد، اصلی که اهمیت بیش‌تری می‌یابد به کار رود.

برخی دیگر از عالمان اخلاق زیستی نظام دیگری را به کار می‌برند که تحت عنوان^۴ یا استفاده از اخلاقیات و اصول اخلاقی به شکل موردی مطرح شده است. طرفداران این مکتب در مواجهه با قضایای پیچیده اخلاقی زیستی اقدام به تصویر مورد روشن‌تر مشابهی می‌کنند که در مورد آن هر کسی می‌تواند در مورد راه‌حل به نتیجه و توافق برسد. آن‌گاه با ارزیابی و سنجش راه‌حل‌ها با مورد فرضی، طرفداران این مکتب سعی می‌کنند در مورد واقعی مواجهه نیز به نتیجه برسند.^۵

در مجموع می‌توان گفت پس از دهه ۱۹۷۰ بود که قلمرو اخلاق زیستی توسعه یافت و علاوه بر مسائل مربوط به آغاز و پایان حیات انسانی، اکنون مسائل مربوط به اعطاء اعضا، نسوج و سلول‌ها، مشارکت افراد در آزمایش‌ها، تحقیقات ژنتیک، شبیه‌سازی و... را نیز در بر می‌گیرد.^۶ همان‌گونه که می‌دانیم مجموعه‌های قدیمی اخلاقی اغلب به شکل سوگندنامه بوده‌اند (مانند سوگندنامه بقراط در

پزشکی)؛ ولی عالمان مدرن اخلاق زیستی غالباً مبنای کار خود را ارزش‌های موجود در اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهدات بعدی مرتبط به حقوق بشر قرار داده‌اند. این متون با اهمیت و الزام حقوقی مختلف قواعدی برای حمایت از اشخاص در زمینه گسترده اخلاق پزشکی فراهم ساخته‌اند.^۷

۲. رابطه حقوق بشر و اخلاق زیستی

دیدگاه‌های متفاوتی در مورد رابطه حقوق بشر و اخلاق زیستی وجود دارد. گرچه حقوق و اخلاق زمینه‌های متفاوتی هستند، اما اعلامیه‌ها و اسناد مربوط به اخلاق زیستی باید مطابق با حقوق بشر الزام‌آور بین‌المللی باشند.^۸ مطابق بند ۱۱ گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر و اخلاق زیستی که در مجمع عمومی مورخ ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ ارائه شد «اخلاق زیستی و حقوق بشر دو رشته‌ای هستند که اغلب به طور جداگانه به آن‌ها پرداخته می‌شود ولی اهداف مشابهی دارند». مشارکت‌های اخلاق زیستی در ارائه منابع و اطلاعات به نهادهایی که وظیفه تحقق حقوق بشر مربوط به حق به سلامت را دارند می‌تواند مفید باشد. اعمال هنجارهای حقوق بشر در زمینه‌هایی هم‌چون تحقیق در مورد انسان و مسائل اخلاقی مطروحه در تحقیقات راجع به ژنوم انسانی می‌تواند به صورت بالقوه مفید باشد. چنین ابتکار عملی می‌تواند از طریق همکاری میان کارکنان ملل متحد که دارای تجربه حرفه‌ای در زمینه‌های مربوط هستند و نمایندگان و افراد متخصص جوامع کشورهای مختلف تحقق یابد.^۹ تلقی مسائل اخلاق زیستی در زمره حقوق بشر آن را دارای اهمیت می‌سازد به نحوی که همگان به آن توجه داشته باشند. تفاوت مفهومی اصلی میان حقوق بشر و اخلاق زیستی در این است که مسائل و بحث‌های مربوط به اخلاق زیستی به طور عمده بر تفاوت‌های موجود در نظام‌های ارزشی زیربنایی خود مبتنی هستند؛ حال آن‌که حقوق بشر که معیار مشترک مورد

پذیرش تمامی ملل است به عنوان معیار حقوقی الزام‌آور برای نوع بشر شناخته شده است. (Conde , 1999. P.26).

اکنون به بررسی برخی نکات مطرح در مورد رابطه میان این دو مقوله می‌پردازیم:

الف- حقوق بشر به عنوان چهارچوبی برای اخلاق زیستی بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین روش‌های ایجاد معیارهای مشترک پزشکی زیستی وحدت اصول پزشکی زیستی در چارچوب حقوق بشر است. با فرض نقشی که حقوق بشر در جهان تکثرگرایی فرهنگی به عنوان «اخلاقیات جهانی» ایفاء می‌کند، این استراتژی مناسب به نظر می‌رسد. علاوه بر استانداردهای کلی که به تدریج ایجاد می‌شوند، اجماعی گسترده در مورد وضعیت اضطراری پیش‌گیری از دو مسأله خاص وجود دارد: مداخله در زنجیره سلولی و شبیه‌سازی انسانی. وظیفه مقرر کردن معیارهای مشترک در زمینه پزشکی زیستی گرچه مشکل است، با این وصف به دلیل عبور حقوق بشر بین‌المللی (که بر برخی اصول بنیانی متکی است) از مانع تنوع فرهنگی، امکان‌پذیر است. (Andorno, 2002, 959-963) دلیل دیگر این که چرا اخلاق زیستی در قالب حقوق بشر تدوین می‌شود (علاوه بر پذیرش تقریباً همگانی معیارهای حقوق بشر)، این است که حقوق بشر علی‌رغم ضعف ساز و کارهای اجرایی خود، تنها ساز و کار موجود برای حمایت از مردم است و نباید فراموش شود که آنچه در برخی مسائل اخلاق زیستی، مدنظر است، چیزی جز حفظ هویت گونه‌های انسانی نیست. بنابراین مبالغه نیست که بگوییم ما در این جا با مهم‌ترین انتخاب مواجه هستیم. به عبارت دیگر روشن به نظر می‌رسد که در صورت تعارض میان حفظ نوع بشر از آسیب و حمایت از منابع صرفاً مالی یا علمی، حقوق بین‌الملل باید به شق اول اولویت دهد. همان‌گونه که اشاره شد در

دو مسأله خاص مطروحه به سبب پیشرفت‌های ژنتیک یعنی زنجیره سلولی و شبیه‌سازی انسان اجماع نظر وجود دارد. (Andorno, 2002, 959-963).

ب- انتقاد از حقوق بشر به‌عنوان چارچوب اصلی برای اخلاق زیستی

همان‌گونه که اشاره شد بسیاری افراد حقوق بشر را به عنوان محیط و زمینه‌ای نویدبخش برای اخلاق زیستی تلقی می‌کنند. گمان می‌رود که حقوق بشر دلایل خوبی، هم برای احترام جدی به خودمختاری فردی و هم برای ممنوعیت قاطع استفاده از خودگردانی فردی آن‌گونه که به حقوق دیگران تخطی کند، فراهم می‌آورد. اما انتقاداتی نیز به این گرایش وارد شده است مبنی بر این که برخی در جستجوی حقوق بشر از توسل به اعلامیه‌ها و منشورهای اصلی به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ فراتر نمی‌روند. این افراد برای نشان دادن میزان الزام‌آور بودن این دسته از اسناد، به میزان تصویب آن‌ها از سوی دولت‌ها اشاره می‌کنند و به توجیه اخلاقی و فلسفی این اسناد توجهی ندارند. اما باید توجه داشت که اسناد دارای محتوای ناخوشایند نیز ممکن است توسط دولت‌ها تصویب شوند و بنابراین مشروعیت سیاسی کسب کنند، ولی آن‌ها از نظر اخلاقی نمی‌توانند توجیه و مقبولیت به دست آورند زیرا خود دولت‌ها همگی از نظر اخلاقی قابل پذیرش نیستند. هواداران حقوق بشر نیز نمی‌پذیرند که دولت‌ها یا حکومت‌ها به شکلی نامشروط درست یا موجه هستند. پس اگر عدالت و توجیه‌پذیری دولت‌ها و حکومت‌مداری دموکراتیک خود حقوق بشر را مبنا قرار دهد، حقوق بشر به سختی می‌تواند با اشاره به تأیید خود از سوی دولت‌ها توجیه شود. اخلاق زیستی رشته‌ای بی‌انگیزه و نامتعهد نیست؛ اما هیچ راهی برای توجیه اصول و معیارها توسط فرمان و اعلامیه وجود ندارد. فرآیند تصویب اسناد توسط دولت‌های دموکراتیک شاید بتواند مشروعیت دموکراتیک حاصل کند اما قادر به ایجاد

توجیه اخلاقی نیست. ولی شاید بتوان مبنای حقوق بشر را در خیر و خوبی یافت. (O'Neill, 2002).

البته لازم به ذکر است که انتقاد مزبور از حقوق بشر تنها به زمینه اخلاق پزشکی محدود نمی‌شود و تمامی جنبه‌های حقوق بشر را در بر می‌گیرد. اما در پاسخ به انتقاد مورد اشاره باید گفت اسناد حقوق بشر تنها توسط دولت‌ها ایجاد نمی‌شوند و فعالان حقوق بشر در سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیر دولتی و حتی در خود دولت‌ها نیز در این زمینه نقش اساسی داشته‌اند. از طرف دیگر حقوق بشر موجود در این اسناد خود از حقوق طبیعی و اخلاقیات نشأت گرفته است و در هر حال پذیرش عمومی علاوه به این که از نظر حقوقی آن را مستحکم‌تر می‌سازد خود تأییدی بر مقبولیت جهانی آن نزد وجدان آگاه جامعه بین‌المللی خواهد بود. به هر حال باید این نکته را در مد نظر داشت که دموکراسی و حقوق بشر تا حد زیادی بر خیر و صلاح اکثریت مبتنی هستند.

ج- حقوق بشر مربوط به سلامت و تحقیقات علمی

در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، یعنی سه سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را انتشار داد. ماده ۲۷ این اعلامیه چنین اظهار می‌دارد: «هر کس حق دارد آزادانه... در پیشرفت علمی و مزایای آن سهمیم شود». مطابق این عبارت نه تنها پزشکان بلکه تمامی دانشمندان و متخصصان بهداشتی ملزم هستند تا تمامی پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری‌های زیستی را در دسترس تمامی مردم جهان قرار دهند. این اعلامیه، مسؤولیت‌های اخلاقی و رفتاری دانشمندان، کارشناسان علوم زیستی، پزشکان و دیگر متخصصان مراقبت بهداشتی را در بر می‌گیرد.^{۱۰} ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ و ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق

سلامت و در اختیار داشتن امکانات پزشکی و بهداشتی را برای همگان به رسمیت شناخته‌اند.

د- کرامت انسانی، فصل مشترک حقوق بشر و اخلاق زیستی

مهم‌ترین اصل اخلاق زیستی تعهد به احترام گزاردن نسبت به منزلت انسانی و حقوق بشر است که حتی در عناوین اعلامیه جهانی حقوق بشر و ژنوم انسانی و حقوق بشر و اخلاق زیستی نیز تجلی یافته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ نیز «منزلت و ارزش فرد انسان را... برای تمامی مردم و تمامی ملت‌ها» تأیید می‌کند. شاید وجه تمایز اسناد بین‌المللی مربوط به زیست‌پزشکی همان نقش اصلی محول شده به مفهوم «کرامت انسانی» و یکی‌سازی معیارهای مشترک اتخاذ شده در چارچوب حقوق بشر باشد. شگفت‌آور نیست اگر کرامت انسانی را به عنوان یکی از معدود ارزش‌های مشترک دنیای تکثرگرایی فلسفی بدانیم. با این‌همه در زمان ما فرض مشابهی وجود دارد مبنی بر این که «کرامت ذاتی... تمامی اعضای خانواده انسانی» مبنای حقوق بشر و دموکراسی است. به راستی ارائه توجیه برای حقوق بشر همواره به ایده کرامت انسانی اشاره دارد. این مفهوم معمولاً با بیش‌ترین اهمیت به ارزش بنیادین و تعرض‌ناپذیر شخصیت انسانی همراه شده است. کانت، منزلت و کرامت را به این معنی دانسته که خود مردم را باید همیشه به عنوان هدف تلقی کرد و آن‌ها هرگز نباید تنها به عنوان وسیله‌ای برای نیل به هدف تلقی گردند.

اشاره به منزلت انسانی در اسناد بین‌المللی مربوط به اخلاق زیستی به گونه‌ای بوده که منزلت گاهی به عنوان «اصل شکل‌دهنده» اخلاق زیستی بین‌المللی تلقی شده است. اما منزلت و کرامت انسانی به تنهایی قادر نیست مشکلات ناشی از پیشرفت‌های علمی را رفع کند. به همین دلیل برخی مفاهیم دیگر هم‌چون رضایت

آگاهانه، یکپارچگی بدن، عدم تبعیض، حفظ اسرار، و انصاف نیز در این زمینه اهمیت دارند.

۳. اسناد حقوق بشری مربوط به اخلاق زیستی

استراتژی حقوق بشری اسناد حقوق بین‌المللی اخیر، در پیوند با مسائل زیست‌پزشکی، از دیدگاهی جهانی نشأت گرفته است. قطعاً تحقیق و جستجو به دنبال نیل به اجماع جهانی در این قلمرو مشکلاتی به دنبال خواهد داشت، به ویژه به این سبب که تحمیل چارچوب حقوقی یکپارچه و مشروح بر جوامعی که دارای خاستگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی متفاوت هستند، غیر ممکن و در واقع نادرست است. به همین دلیل سعی بر هماهنگ‌سازی اصول مربوط به فعالیت‌های زیست‌پزشکی به شکلی در کانون برخی قواعد اساسی متمرکز شده است. این وظیفه قابل حصول است زیرا حقوق بین‌الملل بر پایه مستحکمی از حقوق بشر جهانی متکی است. بنابراین امروزه مسأله اصلی یافتن آن دسته از اصول جهان‌شمول است که به فعالیت‌های زیست‌پزشکی ارتباط دارند. تلاش‌های بین‌المللی فعلی که به پیش‌گیری از شبیه‌سازی انسانی و مداخله در زنجیره سلولی گرایش دارند، ثابت می‌کنند که معیارهای جدید و مشترکی، که نه تنها منافع افراد حاضر بلکه منافع نسل‌های آتی را نیز مد نظر قرار می‌دهند در این قلمرو ظهور کرده‌اند. (Andorno, 2002, 959-963).

بند ۸ گزارش کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی در مورد امکان تکوین سندی جهانی در مورد اخلاق زیستی بیان می‌دارد: اخلاق زیستی که ابعاد اخلاقی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و علوم زیستی و هم‌چنین فن‌آوری‌های پیوسته بدان را در بر می‌گیرد، امروزه نقشی برجسته در تضمین احترام به منزلت انسانی و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ایفاء می‌کند. پاسخ جمعی به فجایع پزشکی

انجام شده به نام تحقیق علمی در دهه ۱۹۴۰ و طی جنگ جهانی دوم، در مجموعه قواعد دادگاه نورنبرگ تجلی یافت و اهمیت رهیافتی فراملی را در مواجهه با مسائل اخلاق زیستی نشان داد.^{۱۱}

چندین سند بین‌المللی وجود دارد که به مسائل مربوط به اخلاق زیستی و پزشکی می‌پردازند. بیش‌تر این اسناد ماهیت الزام‌آور نداشته و صرفاً اعلامیه‌هایی غیر الزام‌آور هستند (اعلامیه‌های یونسکو هم‌چون اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر نیز ماهیت الزام‌آور ندارند). برخی از اسناد هم‌چون قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر معمولاً جز عنوان خود مطلبی در مورد رابطه اخلاق زیستی و حقوق بشر ارائه نمی‌دهند.

گرچه قوانین اخلاق زیستی در سطح ملی (هم‌چون قوانین اخلاق زیستی فرانسه و انگلیس) و در سطح منطقه‌ای (کنوانسیون حقوق بشر و ژنوم انسانی) وجود دارند، هیچ‌گونه قواعد الزام‌آور حقوقی در زمینه اخلاق زیستی در سطح جهانی وجود ندارد. تنوع ارزش‌های جوامع مختلف شاید دلیل اصلی نبود سند حقوقی جهانی بوده است.^{۱۲} اکنون به بررسی بسیار مختصر مهم‌ترین اسناد مربوط به اخلاق زیستی و اشاراتی که در این اسناد به رابطه حقوق بشر و اخلاق زیستی شده است، می‌پردازیم:

الف- کنوانسیون حقوق بشر و پزشکی زیستی ۴ آوریل ۱۹۹۷

این کنوانسیون که شاید تنها سند بین‌المللی منطقه‌ای الزام‌آور و مهم در زمینه مسائل مرتبط به اخلاق زیستی است در قلمرو پارلمان اروپا تهیه و تصویب شد. این کنوانسیون نیز ضمن اشاره به کرامت انسانی در موارد مختلف به تقدم انسان بر علم و جامعه (ماده ۲)، برابری در دسترسی به مراقبت پزشکی (ماده ۳)، رضایت، عدم تبعیض و... در زمینه‌های بهداشتی و درمانی اشاره دارد؛ اما به لحاظ

منطقه‌ای بودن دامنه شمول این سند به بررسی بیش‌تر مفاد آن نمی‌پردازیم.

ب- اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر (۱۱ نوامبر ۱۹۹۷)

مقدمه اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر یونسکو ضمن اشاره به رعایت منزلت انسانی، اصول همگانی حقوق بشر را به گونه‌ای که در اسناد بین‌المللی یافت می‌شوند، شناسایی کرده و بیان می‌دارد «تحقیق در مورد ژنوم انسانی و... باید کاملاً به منزلت انسانی و حقوق فردی احترام بگذارد و تمامی شکل‌های تبعیض بر اساس ویژگی‌های ژنتیک را منع کند».

در اولین اجلاس کمیسیون حقوقی کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی یونسکو در ۷ آوریل ۱۹۹۴ در بحث از روش تدوین سند بین‌المللی برای حمایت از ژنوم انسانی بیان شد که: در مورد مسأله اساسی محتوا، توصیه می‌شود که تهیه یک سند بین‌المللی کلی درباره اخلاق زیستی مورد نظر نیست بلکه منظور بحث در مورد ژنوم انسانی به سیاق تضمین حقوق بشر است... به این منظور مشاوره با برخی منابع حقوقی و مطالعه اسناد بین‌المللی اصلی اعم از جهانی و منطقه‌ای، قوانین اساسی، قوانین و مقررات داخلی، توصیه‌نامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، درون‌حکومتی و بین‌حکومتی برای یافتن اصول بنیادین مورد شناسایی جامعه بین‌المللی که از تفاوت‌های سیاسی، حقوقی و فرهنگی آن‌ها فراتر رود، لازم است.^{۱۳}

در ۵ آوریل ۱۹۹۶ در مشاوره بین‌المللی در زمینه طرح اعلامیه یونسکو در مورد ژنوم انسانی مطرح شد که: «هدف حمایت از ژنوم انسانی بیش از همه حفظ منزلت انسانی و حقوق بشر بنیادین است... تأکید اعلامیه بر این است که تکلیف جامعه بین‌المللی تضمین حمایت از ژنوم انسانی در مقابل تمامی شکل‌های آزمایش یا استفاده از آن به گونه‌ای ناسازگار با احترام به منزلت انسانی به عنوان اصل بنیادین اخلاق زیستی است».^{۱۴}

هدف بندهای گوناگون ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر و ژنوم انسانی حمایت از حقوق اشخاص و تأکید بر نیاز به پیش‌گیری از تمامی اقدامات معارض با منزلت، آزادی و حقوق بشر است. ماده ۶ آن نیز اصل عدم تبعیض را که یکی از اصول مهم حقوق بشر است به تبعیض بر مبنای خصلت‌های ژنتیک بسط می‌دهد. ماده ۷ نیز به حمایت از حفظ اسرار و محرمانه بودن اطلاعات ژنتیک افراد اختصاص دارد که با ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ارتباط دارد. مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۲ اعلامیه نیز بر اولویت احترام به حقوق بشر بر تحقیق در زمینه‌های بیولوژیک، ژنتیک و پزشکی تأکید دارند و در کل می‌توان در بسیاری از مواد اعلامیه مزبور تأکید بر رعایت و اولویت حقوق بشر را ملاحظه کرد؛ به ویژه ماده ۲۵ مقرر می‌دارد که هیچ موردی در این اعلامیه نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به دولت یا گروه خاصی ادعای حق فعالیت یا عملی معارض با حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین به‌ویژه اصول مقرر در اعلامیه را بدهد.^{۱۵}

ج- اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر (مورخ ۱۹ اکتبر ۲۰۰۵)

در اعلامیه اخلاق زیستی و حقوق بشر بر یکی‌سازی اصول اخلاقی و حقوق کوشش شد. مهم‌ترین دستاورد اعلامیه ایجاد پیوند میان اخلاق زیستی و حقوق بشر بود. اصول و اهداف اخلاق زیستی در اعلامیه‌ها و اسناد جهانی اخلاق زیستی متفاوت بوده و دربرگیرنده حقوق و منزلت انسانی، احترام به آزادی‌های اساسی شامل رضایت آگاهانه، درمان به قصد معالجه و به صورت عادلانه، احترام به حق همه در سود بردن از پیشرفت‌های علمی، احترام به ارزش‌های متنوع فرهنگی و... متجلی می‌شود.^{۱۶}

اعلامیه در میان اصولی که مستقیماً به منزلت انسانی مربوط می‌شوند، هم‌چون احترام به حقوق بشر و آزادی‌های انسانی، خودگردانی ارادی، رضایت و حفظ اسرار یکدیگر، و اصولی که به روابط میان موجودات انسانی مربوط می‌شوند،

هم‌چون یکپارچگی، همکاری، مسؤولیت اجتماعی، انصاف، عدالت، تنوع فرهنگی، و اصول مبتنی بر رابطه میان موجودات انسانی و دیگر شکل‌های زندگی کره زمین هم‌چون مسؤولیت در قبال محیط زیست، تمایز قائل شده است.^{۱۷}

اعلامیه در مقدمه تأکید می‌کند که مسائل اخلاقی مطرح شده به موجب پیشرفت‌های سریع علم و کاربردهای فنی آن باید با عنایت کافی به منزلت شخص انسان و احترام همگانی به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بررسی شوند. بند b ماده ۳ اعلامیه مقرر می‌دارد که نفع و رفاه انسان بر نفع علم یا جامعه اولویت دارد. تفوق حقوق و منزلت فرد انسان در اسناد بین‌المللی گوناگون (از جمله کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و منزلت موجود انسانی) مورد اشاره قرار گرفته است. ماده ۵ اعلامیه به خودگردانی در حیطه مسؤولیت فردی اشاره دارد. این احترام از احترام به منزلت انسانی نشأت می‌گیرد و از حقوق بشری الزام‌آور ناشی می‌شود.

حق نسبت به رضایت آگاهانه عنصر اصلی اخلاق زیستی مدرن است. حق تعیین سرنوشت فردی نیز مبنای تصمیم‌دادگاه‌های به سود رضایت آگاهانه بیماران در درمان خود بوده است که در مواد ۵ و ۶ اعلامیه مورد توجه واقع شده‌اند.

آخرین ماده اعلامیه به انکار اقدامات معارض با حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین و شرافت انسانی مربوط می‌شود. این ماده قاعده‌ای تفسیری برای کل اعلامیه تدارک دیده است. قلمرو اعمال اصول ذکر شده بر این اعلامیه می‌تواند با برخی اصول حقوق بشر تداخل پیدا کند. با این همه در ارزیابی و تفسیر این اصول، روش و نتیجه تصمیم نباید با حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین و منزلت انسانی در تضاد باشد. به این منظور اعلامیه با تأییدی قوی خاتمه می‌یابد که به ندرت به چنین لحنی در اسناد بین‌المللی برمی‌خوریم. هماهنگ‌سازی اصول اخلاق زیستی و هنجارهای حقوق بشر دستاورد بزرگ اعلامیه است.

نتیجه

علوم زیستی خصلتی دارند که آن‌ها را از دیگر علوم متمایز می‌سازد؛ علوم زیستی و به ویژه ژنتیک با وجود انسان در کلیت آن سر و کار دارند، زیرا هر ژنوم فرد انسانی تصویری از زندگی آن فرد است. هنگامی که اطلاعات ژنتیک فردی آشکار می‌شود، اسرار زندگی وی بی‌اعتناء به سرّی بودن آن در معرض افشاء قرار می‌گیرد. بنابراین ضرورت دارد جامعه به‌شکلی مؤثر بر تحقیقات ژنتیک نظارت داشته باشد تا بتواند از حقوق بشر و منزلت انسانی حمایت کند.

تعریف حیات در سراسر جهان یکسان نیست و مطابق فرهنگ، ملیت و مذهب‌های گوناگون متفاوت است. به این دلیل دقیق بودن در مورد مفهوم اخلاقیات ساده نیست. اخلاقیات جمعی^{۱۸} به عنوان مجموعه‌ای از قواعد رفتاری ناشی از اجماع در جامعه‌ای معین، از مذهب و اخلاق فردی^{۱۹} متمایز است. اخلاق جمعی نمی‌تواند از بالا تحمیل شود اما از طریق اجتماع اذهانی که به تکثرگرایی احترام می‌گذارند توسعه می‌یابد. معیارهای اخلاقی بنا به ماهیت خود کلیت دارند. این ویژگی در مورد اخلاق زیستی نیز صادق است. به این دلیل هرچند تنوع ارزش‌ها و مفاهیم زندگی انسانی به رسمیت شناخته شده، قواعد حداقلی که تمامی اعضاء جامعه ملزم به رعایت آن‌ها هستند مشخص می‌شود. این قواعد در صورت نیل به اجماع در جامعه قابلیت تبدیل به قاعده حقوقی از جانب حکومت را دارند. اما حتی در این مورد نیز قوانین اغلب کلیت داشته و مقررات تکمیلی برای تحقق بخشیدن به آن‌ها باید تصویب شود. به دلیل مشکلات مزبور معیارهای اخلاقی اغلب به شکل چارچوبی کلی برای قواعد حقوق باقی می‌مانند، ولی در هر حال وجود نظارت‌ها و ضمانت‌های حقوقی بر اخلاقیات و ورای اخلاقیات ضرورت دارد؛ زیرا ماهیت معیارهای اخلاقی به‌گونه‌ای است که اعضاء جامعه را تنها ملزم به داشتن حُسن نیت می‌کند. در نتیجه اگر آزمایشی امکان به مخاطره افکندن یکی از ارزش‌های بنیادین جامعه را داشته باشد، معیارهای اخلاقی از پیشگیری آن ناتوان خواهند بود. تنها حقوق می‌تواند مطابقت عمل را با معیارها و حمایت از

ارزش‌های بنیادین و ثبات جامعه تضمین کند. با وجود تمامی این‌ها توسل به حقوق نیز همواره مناسب‌ترین راه نیست. تا آنجا که به اخلاق زیستی جهانی مربوط می‌شود، ارزش‌ها و مفاهیم مربوط به حیات و مرگ در جوامع گوناگون چنان متفاوت هستند که ایجاد مجموعه‌ای از قواعد حقوقی که برای همگان در سراسر جهان معتبر باشد بسیار دشوار است. در این سیاق معیارهای جهانی اخلاق زیستی ممکن است به شکل غیر حقوقی و غیر الزام‌آور ایجاد شوند و به عنوان «اصول» باقی بمانند، مگر هنگامی که در مورد یکی از مسائل خاص هم‌چون شبیه‌سازی انسان برای ایجاد قواعد الزام‌آور اجماع حاصل شود.^{۲۰}

در هر حال نباید فراموش کرد که بسیاری از قواعد اخلاق زیستی در حقوق داخلی کشورها به صورت قواعد حقوقی الزام‌آور درآمده‌اند در حالی که هنوز بسیاری از قواعد حقوق بشر به ویژه قواعد مربوط به اخلاق زیستی در اسناد غیر الزام‌آور تدوین شده‌اند. پس الزام‌آور بودن یا نبودن این دو دسته نمی‌تواند وجه تمایز آن‌ها باشد. وجه تمایز اصلی میان قواعد اخلاق زیستی و حقوق بشر، جهانی بودن دومی و ارائه معیارهای واحد و هماهنگ برای کل بشریت است. کلیت این‌گونه قواعد که ناشی از خصلت جهانی آن‌ها است موجب می‌شود به ارزش‌های فرهنگی و تفاوت‌های موجود احترام گذاشته شود و راه برای هماهنگی و همکاری باز گردد و جلوی تقابل فرهنگ‌ها تا حد ممکن گرفته شود. البته در این راه نباید هیچ‌گاه از اصول اولیه و بنیادین حقوق بشر عدول کرد چرا که هرچند حقوق بشر حق نسبت به برخورداری از تنوع فرهنگی را شناسایی کرده است اما تنوع فرهنگی نباید به عنوان دستاویزی برای خدشه‌دار کردن حقوق بشر به کار رود، چرا که حقوق بشر قواعد و اصولی هستند که رعایت آن‌ها می‌تواند هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و دوستانه انسان‌های دارای ویژگی‌های نژادی، زبانی، فرهنگی، دینی و... مختلف را امکان‌پذیر سازد و مانع آن شود که انسان منزلت انسانی خود و دیگر هم‌نوعانش را بر باد دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. First Intergovernmental Meeting of Experts Finalizing a Draft Declaration on Universal Norms on Bioethics UNESCO Headquarters, 4-6 April 2005, EXPLANATORY MEMORANDUM ON THE ELABORATION OF THE PRELIMINARY DRAFT DECLARATION ON UNIVERSAL NORMS ON BIOETHICS.
2. utilitarianism.
3. principlism.
4. casuistry.
5. Contributed By: Christopher King, Reviewed By: Arthur L. Caplan., Medical Ethics, Microsoft ® Encarta ® Reference Library 2005. © 1993-2004 Microsoft Corporation.
6. ROUND TABLE OF MINISTERS OF SCIENCE ON “BIOETHICS: INTERNATIONAL IMPLICATIONS”, 22 and 23 October 2001, UNESCO Headquarters DISCUSSION PAPER Division of Human Sciences, Philosophy and Ethics of Science and Technology 1.
7. First Intergovernmental Meeting of Experts Finalizing a Draft Declaration on Universal Norms on Bioethics UNESCO Headquarters, op.cit para 34.
8. First Intergovernmental Meeting of Experts Finalizing a Draft Declaration on Universal Norms on Bioethics UNESCO Headquarters, para 43
9. (A/ 56/643) 2001/11/21.
10. Guide N°.1 Establishing Bioethics Committees, UNITED NATIONS EDUCATIONAL, SCIENTIFIC AND CULTURAL ORGANIZATION DIVISION OF ETHICS OF SCIENCE AND TECHNOLOGY, UNESCO 2005, Printed in France, p 10
11. UNESCO, Division of the Ethics of Science and Technology, Report of the IBC on the Possibility of Elaborating Universal Instrument on Bioethics Reporters: Giovanni Berlinguer and Leonardo De Castro, P 2.
12. BIOETHICS International Implications: (PROCEEDINGS OF THE ROUND TABLE OF MINISTERS OF SCIENCE Paris, 22–23 October 2001), UNESCO, 2003, PP 47.
13. Birth of the Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights Division of the Ethics of Science and Technology of UNESCO, 1999, (First Meeting of the Legal Commission of the IBC (7 apt-ii 1994), p 28.
- 14 . Birth of the Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights Division of the Ethics of Science and Technology of UNESCO, 1999,(International Consultation on the Outline of a UNESCO Declaration on the Human Genome (5 April 1996), p 68.
15. Birth of the Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights Division of the Ethics of Science and Technology of UNESCO, 1999, (Introduction by H. Ex. Mr Hector Gros Espiell), p 4.

16. TWELFTH SESSION OF THE INTERNATIONAL BIOETHICS COMMITTEE OF UNESCO (IBC), Tokyo, Japan, 15-17 December 2005, Abstracts or Texts of the Presentations of Speakers, p 46.
17. First Intergovernmental Meeting of Experts Finalizing a Draft Declaration on Universal Norms on Bioethics UNESCO Headquarters, para 37.
18. Ethics.
19. Moral.
20. BIOETHICS International Implications, op.cit , pp 47-48.

فهرست منابع

Books

- Conde H Victor, A Handbook of International Human Rights Terminology, Nebraska Press, 1999.
- Onora O'Neill, Autonomy and Trust in Bioethics, Cambridge University Press, 2002.

Articles

- Roberto Andorno, Biomedicine and international human rights law: in search of a global consensus, Bulletin of the World Health Organization 2002;80:959-963:

[http://www.who.int/docstore/bulletin/pdf/2002/bul-12-E-2002/80\(12\)959-963.pdf](http://www.who.int/docstore/bulletin/pdf/2002/bul-12-E-2002/80(12)959-963.pdf)

- Contributed By: Christopher King, Reviewed By: Arthur L. Caplan., Medical Ethics, Microsoft ® Encarta ® Reference Library 2005. © 1993-2004 Microsoft Corporation.

هنکین لوئی، حقوق بشر: از آرمان تا واقعیت و چشم‌انداز آینده، مترجم فرشید سرفراز، اطلاعات سیاسی اقتصادی ۲۰۵-۲۰۶، مهر و آبان ۱۳۸۳، ص ۳۹.

Instruments

- CONVENTION ON HUMAN RIGHTS AND BIOMEDICINE (Done at Oviedo, Spain, April 4, 1997).
- Declaration on the Human Genome and Human Rights (11 November 1997).
- Universal Declaration on Bioethics and **Human Rights**, 19 October, 2005.
- BIOETHICS International Implications: (PROCEEDINGS OF THE ROUND TABLE OF MINISTERS OF SCIENCE Paris, 22-23 October 2001), UNESCO, 2003*
- Birth of the Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights Division of the Ethics of Science and Technology of UNESCO, 1999, (First Meeting of the Legal Commission of the IBC (7 apt-ii 1994)

- Birth of the Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights Division of the Ethics of Science and Technology of UNESCO, 1999, (International Consultation on the Outline of a UNESCO Declaration on the Human Genome (5 April 1996).
- Birth of the Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights Division of the Ethics of Science and Technology of UNESCO, 1999, (Introduction by H. Ex. Mr Hector Gros Espiell),
- First Intergovernmental Meeting of Experts Finalizing a Draft Declaration on Universal Norms on Bioethics UNESCO Headquarters, 4-6 April 2005, EXPLANATORY MEMORANDUM ON THE ELABORATION OF THE PRELIMINARY DRAFT DECLARATION ON UNIVERSAL NORMS ON BIOETHICS.
- Guide N°.1* Establishing Bioethics Committees, UNITED NATIONS EDUCATIONAL, SCIENTIFIC AND CULTURAL ORGANIZATION DIVISION OF ETHICS OF SCIENCE AND TECHNOLOGY, UNESCO 2005, *Printed in France*.
- ROUND TABLE OF MINISTERS OF SCIENCE ON "BIOETHICS: INTERNATIONAL IMPLICATIONS", 22 and 23 October 2001, UNESCO Headquarters *DISCUSSION PAPER* Division of Human Sciences, Philosophy and Ethics of Science and Technology 1.
- TWELFTH SESSION OF THE INTERNATIONAL BIOETHICS COMMITTEE OF UNESCO (IBC), Tokyo, Japan, 15-17 December 2005, Abstracts or Texts of the Presentations of Speakers.
- UNESCO, Division of the Ethics of Science and Technology, Report of the IBC on the Possibility of Elaborating Universal Instrument on Bioethics Rapporteurs: *Giovanni Berlinguer and Leonardo De Castro*.

یادداشت شناسه مؤلفان

فرشید سرفراز: دانشجوی دکترای حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسؤول)

فریدون سرفراز: دندانپزشک

نشانی الکترونیک: medlaw2008@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۳/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۵/۱۰